

اخلاق مدرن، فرهنگ اسلامی و ارتباطات در دنیای مجازی

نویسندگان: حسین سراوانی،^۱ منیژه عزتی رستگار،^۲ زهرا گلشنی خادم،^۳ رضا پوربهرام^۴

دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۰۴

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۰

چکیده

چهارده قرن از ورود اسلام به سرزمین ایران می‌گذرد. در طول این مدت، میان اسلام و ایران از ابعاد مختلف- از جمله فرهنگی- تعاملات گسترده‌ای صورت گرفته است. در دنیای پرشتاب فناوری‌های نوین، فضای ارتباطات مجازی به عنوان یک فرصت یا تهدید، دست‌اندرکاران تربیت نسل جوان را با چالشی بزرگ روبه‌رو کرده است که استفاده گسترده از این فناوری و امکان دسترسی آسان به منابع اطلاعاتی و متنوع باعث به وجود آمدن بسیاری از رفتارهای غیر اخلاقی به ویژه در میان جامعه شده است.

درست است که دنیای امروز دنیای تحولات به همراه توسعه سریع دانش است که از طریق شبکه‌های اینترنتی به سرعت در حال گسترش می‌باشد؛ اما در عین حال، اهمیت مباحث اخلاقی به ویژه در قلمرو معاشرت‌های گوناگون شخصی و اجتماعی به قدری روشن است که در جوامع مختلف بر آن تأکید می‌ورزند و خصوصاً جامعه مسلمانان می‌بایست بر آن اهتمام بیشتری بورزند؛ چرا که دین اسلام، دین اخلاق‌مداری است.

پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه فرهنگ اسلامی و چالش‌های دنیای مجازی با نگرش اخلاق مدرن است. روش بررسی این پژوهش با استفاده از مشاهده مشکلات موجود در حوزه ارتباطات در دنیای مجازی- در شرایط کنونی- و روش کتابخانه‌ای و استفاده از منابع مطالعاتی تدوین گردیده است.

۱. کارشناس ارشد روانشناسی کودکان استثنایی، آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران،

saravani79@gmail.com

۲. کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی، دبیر آموزش و پرورش استثنایی.

۳. کارشناسی مشاوره و راهنمایی، مشاور آموزش و پرورش.

۴. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران.

از یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که می‌توان اخلاق مدرن را با فرهنگ سلامی عجین کرد؛ به عبارت دیگر، مراد از اخلاق مدرن شکل غربی آن نیست؛ بلکه صورت مناسب‌سازی شده با درون‌مایه فرهنگ اسلامی و تعالیم دینی است که با پیشرفت‌های تکنولوژی و فناوری مجازی همخوانی دارد.

واژگان کلیدی: اخلاق مدرن، فرهنگ اسلامی، ارتباطات، دنیای مجازی

مقدمه

فضای مجازی نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی است که با این‌که عمر خیلی زیادی ندارد؛ اما توانسته است - به خوبی - در زندگی مردم جا باز کند تا جایی که مردم بسیاری در سنین مختلف و از گروه‌های اجتماعی متفاوت در فضای مجازی کنار هم آمده و از فاصله‌های بسیار دور در دنیای واقعی، از این طریق با هم ارتباط برقرار می‌کنند.

امروزه خانواده ایرانی در سبب فرهنگی خود مواجه با شبکه‌های ماهواره‌ای، فضای مجازی، رسانه‌های مدرن است که هر کدام به نوبه خود بخشی از فرآیند تأثیرگذاری در خانواده را هدف گرفته‌اند.

بعضی از شبکه‌های ماهواره‌ای که به طور تخصصی تمام تمرکز خود را بر مقوله خانواده نهاده است و پیام مشترک برنامه‌های این شبکه‌ها عبارتند از: ترویج خانواده‌های بی‌سامان و لجام گسیخته در مقابل ساختار خانواده، عادی‌سازی خیانت همسران به یکدیگر، عادی جلوه دادن روابط جنسی دختر و پسر پیش از ازدواج، ترویج فرهنگ هم‌باشی به جای ازدواج. پیامدهای مواجهه مخاطبان ایرانی با برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای دغدغه‌های بسیاری را برای جامعه کارشناسی ایجاد کرده است.

بسیاری از کارشناسان خانواده و بهداشت جنسی از برنامه‌ریزی برای تأثیر فرهنگی این رسانه‌ها در عادی‌سازی خیانت زوجین به یکدیگر می‌گویند که ممکن است مخاطب با دریافت پیام این سریال‌ها با محتوای ارائه شده آن‌ها احساس هم‌ذات‌پنداری کند.

گسترش فضای مجازی در حوزه رابطه فرزندان و والدین نیز تغییراتی به وجود آورده است که از جمله آن به کاهش نقش خانواده به عنوان مرجع، کاهش ارتباط والدین با فرزندان، شکاف نسلی به دلیل رشد تکنولوژی، از بین رفتن حریم بین فرزندان و والدین و ایستادن در برابر یکی از والدین یا هر دو را می‌توان نام برد.

در بحث ازدواج‌ها نیز مسائلی چون ناپایداری ازدواج‌ها، تغییر الگوی همسرگزینی، نداشتن مهارت‌هایی برای ازدواج ناتوانی والدین برای آموزش به فرزندان، افزایش روابط دختر و پسر در زمان نامزدی بدون عقد، تمایل به دریافت مهریه‌های سنگین، بالا رفتن سن ازدواج و افزایش تنوع‌طلبی جنسی مردان و... را می‌توان اشاره کرد.

تغییراتی که در حوزه دینی در جامعه رخ داده، کاهش آموزه‌های دینی در خانواده، دوری خانواده از شریعت، کمرنگ‌شدن حریم‌های دینی در روابط خانوادگی است.

در این میان، سبب فرهنگی خانواده ایرانی نیز دچار تغییرات فراوانی شده است که همگی به نوعی مروج سبک زندگی مدرن است که خاستگاه این نوع سبک زندگی تمدن غربی است و ترویج این شیوه از زندگی، لاجرم تمام مؤلفه‌های معرفتی تمدن غرب را شایع می‌سازد و موجب می‌گردد بی‌سامانی در فرهنگ مسائل جنسی در کشور افزایش یابد.

با توجه به اهمیت فضای مجازی در توسعه جوامع، در جامعه ایران نیز در سال‌های اخیر به فناوری اطلاعات و ارتباطات توجه زیادی شده است؛ ولی در این رابطه آسیب‌های جدی وجود دارد که نیاز به ریشه‌یابی دارد.

جامعه ایران از نظر بهره‌مندی از اینترنت در بین ۱۸۷ کشور جهان رتبه ۸۷ را دارد که بر اساس طبقه‌بندی اتحادیه جهانی مخابرات جزو کشورهای متوسط به شمار می‌رود، ۳۵ درصد استفاده‌کنندگان اینترنت نیز قشر جوان هستند و میانگین صرف شده برای اینترنت ۵۲ دقیقه در هفته است.

بروز آسیب‌های نوظهور می‌تواند زمینه‌ساز نوع جدیدی از آسیب‌های اجتماعی و روانی باشد؛ به همین دلیل، برنامه ریزی برای شناسایی، پیشگیری و کاهش آسیب‌های نوظهور لازم و ضروری می‌نماید. آسیب‌های نوظهور آسیب‌های مرتبط با فناوری‌های جدید است که آسیب‌های ناشی از استفاده از ماهواره، بازی‌های رایانه‌ای، تلفن همراه و اینترنت می‌توانند در این مجموعه قرار گیرد.

اخلاق از موضوعات بحث برانگیز و متکی بر نظام‌های ارزشی است و بر اساس آن- فرد- خوب و بد را تشخیص می‌دهد. اخلاق الگوی رفتار ارتباطی است که بر رعایت حقوق افراد تأکید می‌کند؛ به طوری که رعایت حقوق دیگران، رضایت‌مندی را به وجود می‌آورد. هر سازمان برای پویایی و بقای خود نیازمند تدوین و بکارگیری استانداردهای اخلاق حرفه‌ای است که بر اساس آن مدیران، کارکنان و سایر عوامل انسانی با پایبندی بدان، ارزش‌های مشترک حرفه‌ای را پدید می‌آورند تا ذینفعان سازمان از آن بهره‌مند شوند. جامعه امروز به طور روز افزون از جنبه‌های آموزشی، ارتباطات، اطلاعات، اقتصاد، بازار و جز آن به تکنولوژی‌های ارتباطی و شبکه‌های اطلاعاتی وابسته شده است. با گسترش و نفوذ این تکنولوژی‌ها در چارچوب‌های بیرون از نهادهای علمی و پژوهشی و مبدل شدن آن به محیط‌هایی از نوع خانگی و یا اقتصادی و برداشت‌های تازه‌ای از رابطه اخلاقیات را با آن مطرح کرده است.

- در این شرایط، نظام‌های اخلاقی در چالش و کشمکش با تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی چگونه باید عمل کنند؟

در عصر دیجیتال، اخلاق رسانه باید کارهایی را متناسب با خصوصیات متمایز یک سامانه شبکه‌ای، موتورهای جستجو و پایگاه داده‌های رایانه فهرست کند. این چارچوب اخلاقی در موثرترین صورت خود باید بر ساختارهای اجتماعی متمرکز شود تا بتواند معلوم کند که صورت‌بندی‌های سیاسی و فرهنگی در وضعیت‌های برخط و غیر خط هستند.

در این پهنه، اخلاق بازنمایی دارای یک جهت‌گیری جدید است؛ اینک جنسیت، نژاد، قومیت و دین در فضای سایبر بدون نام و نشان نمادین می‌شود، گاهی موضوعی تازه است و گاهی اخلاق گذشته را تا سطوح پیچیده و ناشناخته گسترش می‌دهد. آداب و معاشرت در شبکه‌های اجتماعی بر بستر الکترونیک-همانند برخی از قواعد زندگی روزمره- نظامی هنجاری و اخلاقی است. روابط عمومی‌ها نیز باید بر مبنای این نظام هنجاری و اخلاقی و هم‌چنین پیشبرد اهداف سازمانی به مخاطب و افکار عمومی احترام بگذارد و اخلاقیات را در سازمان خود اجرا کند و روابط عمومی‌ها باید بین سازمان و مشتریان-مخاطبان- خود پلی شود تا بتواند در فضای مجازی با استفاده از تکنولوژی و فناوری نوین تمامی توان خود را معطوف نیت صادقانه با رویکرد انسان‌محوری و به دور از هر گونه پنهان‌کاری و مخفی شدن در پس سودآوری، نیازهای مخاطبان و جامعه هدف را تهیه و در اختیار آنان قرار دهد.

از وظایف روابط عمومی‌ها به وجود آوردن صمیمیت، درستی، یکدلی و صداقت است و روابط عمومی‌ها باید در دنیای پیشرفته الکترونیک بتواند این عواطف انسانی را وارد دنیای مجازی کند؛ لذا وارد کردن عواطف انسانی و حس مسئولیت و

اخلاق حرفه‌ای به روابط عمومی‌ها کمک می‌کند که مخاطبان و مشتریان آن سازمان را به عنوان یک سازمان مسئولیت‌پذیر و اخلاقی پذیرفته و به پست‌ها و یادداشت‌هایی که روابط عمومی‌ها می‌گذارند اعتماد کرده و از محصول یا خدمات آن سازمان خریداری نمایند؛ البته بعضی از اصول- مثل درستی، صداقت، امانتداری، توجه به حقوق ذینفعان و مشتریان- جزو اصول پذیرفته شده علم اخلاق است. به طور کلی، نوع اخلاقیات در فضای واقعی با فضای مجازی تفاوتی ندارد و حتی اعمال و اجرای اخلاقیات نیز به ظاهر متفاوت نیست؛ لذا تغییر فضا موجب نمی‌شود اخلاقیات زیر سؤال برود.

بر این اساس، اگر کالایی عیب و مشکلی داشته باشد- چه در عالم واقع و چه در فضای مجازی- سازمان و به تبع آن روابط عمومی‌ها که مسئول این کار هستند باید اطلاعات درست، کامل و صادقانه‌ای به مخاطبان و مشتریان بدهند؛ هم‌چنین اگر سازمان دارای سود کلان است، روابط عمومی‌ها نباید و نمی‌توانند ذینفعان خود را فریب دهند و آمار را به گونه‌ای که واقعیت نیست، انتشار دهند.

اگر توجه بیشتری به مقوله اخلاق و اخلاق‌مداری شود، جامعه در مسیر درست خود حرکت خواهد کرد؛ البته کنترل‌های اجتماعی که برخاسته از فرهنگ هر جامعه‌ای است، بایستی وجود داشته باشد؛ کنترل‌هایی که گاهی همسو با پیشرفت‌های فناوری در عرصه مجازی- در جامعه- نیست که همین مسئله، انحطاط اخلاقی به دنبال دارد.

کنترل‌هایی که عقلانی باشند، ولی در گذشته وجود داشتند- مثلاً اگر در گذشته کسی کاری خلاف عرف و هنجارهای جامعه انجام می‌داد، توسط ریش‌سفیدان یا بزرگان جامعه کنترل می‌شد یا به صورت تلویحی یا نگاه خاص، راهکارهایی وجود داشت- اما اکنون آن کنترل‌ها وجود ندارد، چون ارزش‌های سنتی را هم از دست داده، با خلأ قانونی رو به رو می‌شوند.

قرن بیست و یکم با مجازی‌سازی ارتباطات شروع شد و ابررسانه‌ها- بیش از آن‌چه مخاطب، انتظار و ظرفیت دارد- اطلاعات زیادی به او ارائه می‌کنند؛ از این رو، میان جهانی شدن و فضای مجازی، ارتباطی دوسویه برقرار است؛ چرا که از یکسو می‌توان جهانی شدن را عامل پیدایی فضای مجازی دانسته و فروپاشی مرزهای انسانی را به آن نسبت داد و از سوی دیگر، گسترده بودن ارتباطات مجازی و ماهیت بی‌مکانی و بی‌زمانی و فراگیر بودن آن و نیز بارش فکری نابهنگام، آن را عامل شکستن مرزهای سنتی و قبیله‌ای و یکپارچه‌سازی ارزش‌های انسانی دانست.

به این ترتیب- در عصر مدرن- معیارهای اخلاقی نیز به طور کلی با آن‌چه بشر به صورت سنتی قبول داشت و مطابق آن عمل می‌نمود، تفاوت دارد که این تمایز- تنها- در شکل ظاهری رفتارهای اخلاقی انسان جدید نیست؛ بلکه ارزش‌های حاکم بر زندگی انسان تغییر کرده و به سبب تفاوت در نوع نگاه به حیات این جهانی، رویه جدیدی در رفتارهای اخلاقی و تخلق به صفات مختلف برگزیده است.

پرسشی که در این میان طرح می‌شود، عبارت است از این‌که:

- آیا ارزش‌های فرهنگ مجازی، صرفاً ارزش‌های وارد شده از فرهنگ‌های غیر مجازی موجودند یا فرهنگ مجازی فرهنگ جدید و خاص خود را دارد؟

نویسندگان بسیاری در خصوص ماهیت و خاستگاه ارزش‌های فرهنگ مجازی پژوهش کرده‌اند. دگرگونی‌های امروزی که در پهنه‌هایی- چون ارتباطات، اطلاعات و فناوری- پدیدار گشته، هر چند برخی از شاخصه‌های زندگی بشر امروزی از جمله رفاه، امنیت، تولید، علم، تغییر در مفهوم زمان و مکان و تحول در فرهنگ را بهبود بخشیده؛ اما همین انسان را با چالش‌هایی روبرو ساخته که یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین آن‌ها مسئله هویت فردی و جمعی است.

انرسان معتقد است که ارزش‌های فرهنگ مجازی، ارزش‌های گفتاری، قابل دسترس، آزاد و دارای واکنش سریع هستند.

کاستلزا^۱ معتقد است «فرهنگ هکری» اساس فرهنگ مجازی است و ارزش‌های شایسته سالارانه، مفهوم اولیه جامعه مجازی و آزادی فردی بالایی را به همراه دارد. جردن^۲ نیز مدعی است که فرهنگ مجازی، نیرویی است که فرهنگ، سیاست و اقتصاد را می‌سازد و قدرت فناوری را قدرتی تعریف می‌کند که نظام هنجاری فرهنگ مجازی را شکل می‌دهد.

به نظر می‌رسد غالب مجاری اندیشه‌ای، فکری و فرهنگی جامعه ایران متأثر از همان محصولات فرهنگ غرب است و فرهنگ غربی در اصلی‌ترین نهادها حاضر هستند- از جمله دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و نظام آموزش و پرورش- پس تنها راه درمان این وضعیت در خودبیداری، خود انکایی و ارزشمند دانستن حجم عظیم معارف اسلامی است.

از طرف دیگر، آنچه امروزه فناوری اطلاعات را به عنوان یک پدیده نگران کننده جلوه می‌دهد، این‌که در دست انسان‌هایی رها از قید و بند اخلاقی و اسیر هوس‌های بی‌پایان باشد؛ و الا فناوری- فی حد ذاته- پدیده مثبتی است که حتی می‌توان از قابلیت‌های آن برای اخلاقی کردن همه ابعاد زندگی انسانی کمک گرفت و آنچه این نیت را محقق و میسر می‌کند، تربیت کردن درونی انسان‌ها است؛ مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای اخلاقی که در هنگام کار با رایانه در فضای واقعی و فضای مجازی می‌بایست رعایت گردد.

-
1. Manuel Castells
 2. Jordan

اخلاق مدرن، فرهنگ اسلامی و ارتباطات در دنیای مجازی / ۶۳

به عبارت دیگر، وظیفه محوری اخلاق مدرن تعیین این نکته است که باید در این موارد چه کارهایی را انجام داد یا چه قوانینی را تدوین نمود تا بتوان رفتاری درست اتخاذ کرد.

مهم‌ترین نکته در اخلاق مدرن این است که تمام آن‌چه از اخلاق فرا گرفته می‌شود- در کار با رایانه- بایدها و نبایدهای اخلاقی به نحو شایسته رعایت گردد تا از آسیب‌ها در امان ماند.

نکته دیگر آن‌که منظور از اخلاق مدرن، شکل غربی آن نیست؛ بلکه صورت مناسب‌سازی شده با درون‌مایه فرهنگ اسلامی و تعالیم دینی است که با پیشرفت‌های تکنولوژی و فناوری مجازی همخوانی دارد.

در این پژوهش تلاش می‌شود با پذیرش عصر ارتباطات نوین و قبول یکی از روش‌های تبادل افکار در جامعه، در قالب چگونگی انطباق اخلاق حرفه‌ای با فرهنگ اسلامی به نحوی که با کمترین لطمات اخلاقی همراه باشد، پرداخته شود.

روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از مشاهده مشکلات موجود در حوزه ارتباطات در دنیای مجازی- در شرایط کنونی- و روش کتابخانه‌ای و استفاده از منابع مطالعاتی تدوین شده است.

مرور یافته‌های پژوهش

۱. اخلاق و اخلاق مدرن

اخلاق را از طریق آثارش نیز می‌توان تعریف کرد و آن این‌که گاهی فعلی از انسان سر می‌زند که شکل مستمری ندارد؛ ولی هنگامی که کاری به طور مستمر از کسی سر می‌زند- مانند امساک در بذل و بخشش و کمک به دیگران- دلیل به این است که

یک ریشه درونی دارد که در اعمال جان و روح او آن ریشه را خُلق و اخلاق می‌گویند؛ این جاست که ابن مسکویه در کتاب «تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق» می‌نویسد: خُلق همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می‌کند بدون آن‌که نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد. (ابن مسکویه رازی، ۱۳۸۱: ۵۱)

همین معنی را فیض کاشانی در کتاب «حقایق» آورده است: بدان که خوی عبارت از هیئتی استوار با نفس است که افعال به آسانی و بدون نیاز به فکر و اندیشه از آن صادر می‌شود. (فیض کاشانی، ۱۳۹۲: ۵۴)

او به همین دلیل اخلاق را به دو بخش تقسیم می‌کند:

۱. ملکاتی که سرچشمه پدید آمدن کارهای نیکوست و اخلاق خوب و ملکات فضیله نامیده می‌شود.
۲. ملکاتی که منشأ اعمال بد است و به آن اخلاق بد و ملکات رذیله می‌گویند.

از همین جا می‌توان علم اخلاق را چنین تعریف کرد: علمی است که از ملکات و صفات خوب و بد و ریشه‌ها و آثار آن سخن می‌گوید.

به تعبیر دیگر- علم اخلاق- سرچشمه‌های اکتساب این صفات نیک و مبارزه با صفات بد و آثار هر یک را در فرد و جامعه مورد بررسی قرار می‌دهد؛ البته- همان‌طور که گفته شد- گاهی به آثار علمی و افعال ناشی از این صفات نیز واژه اخلاق اطلاق می‌شود، مثلاً کسی که پیوسته آثار خشم و عصبانیت نشان می‌دهد به او می‌گویند این اخلاق بدی است و به عکس هنگامی که بذل و بخشش می‌کند، می‌گویند این اخلاق خوبی است که فلان کس دارد؛ این دو علت و معلول یکدیگرند که نام یکی بر دیگری اطلاق می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۴)

حکمای گذشته، روح و نفس غیر مادی انسان را خاستگاه هر گونه رفتار ظاهری و عمل آدمی می‌دانستند و از این رو اصل در اخلاق را توجه به صفات نفسانی انسان می‌دانستند که در نتیجه آن، اصلاح نفس و درون در رفتارها و اعمال بیرونی آشکار می‌شود؛ از این رو- عموماً- اندیشه‌وران اسلامی نیز که به اصل وجود نفس اعتقاد داشتند، اخلاق را به گونه‌ای متناسب با همین بحث تعریف نموده‌اند.

گاهی نیز منظور از اخلاق در اصطلاح اندیشه‌وران، هرگونه صفت نفسانی است که موجب پیدایش کارهای خوب یا بد می‌شود؛ چه آن صورت نفسانی به صورت پایدار و راسخ باشد و چه به صورت ناپایدار و غیر راسخ و چه از روی تأمل و اندیشه صادر شود و یا بدون تفکر و تأمل باشد.

از نظر تاریخی نیز اخلاق به خاطر جایگاهش مورد توجه جامعه علمی بوده است. بحث‌های اخلاقی از زمانی که انسان گام بر روی زمین گذارد، آغاز شد؛ چه این‌که حضرت آدم علیه السلام - پیامبر خدا- نه تنها فرزندان را با دستورهای اخلاقی آشنا ساخت؛ بلکه خداوند از همان زمانی که او را آفرید و ساکن بهشت ساخت، مسائل اخلاقی را با اوامر و نواهی‌اش به او آموخت.

سایر پیامبران الهی علیهم السلام نیز به تهذیب نفوس و تکمیل اخلاق که خمیرمایه سعادت انسان‌ها است، پرداختند تا نوبت به حضرت مسیح علیه السلام رسید که بخش عظیمی از دستوراتش را مباحث اخلاقی تشکیل می‌دهد و همه پیروان و علاقه‌مندانش، او را به عنوان معلم بزرگ اخلاق می‌شناسند؛ اما بزرگترین معلم اخلاق- پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله - بود که با شعار «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۸) مبعوث شد و خداوند درباره ایشان فرموده است:

«وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ»؛ (قلم، ۴) اخلاق تو بسیار عظیم و شایسته است.

در میان فلاسفه نیز بزرگانی بودند که به عنوان معلم اخلاق مشهور بودند، مانند سقراط^۱، افلاطون^۲، ارسطو^۳ و جمعی دیگر از فلاسفه یونان؛ به هر حال پس از پیامبر اسلام ﷺ ائمه معصومین علیهم السلام نیز به گواهی روایات اخلاقی گسترده‌ای که از ایشان نقل شده، بزرگترین معلمان اخلاق بودند و در مکتب آن‌ها مردان برجسته‌ای که هر کدام را می‌توان یکی از معلمان عصر خود شمرد، پرورش یافتند.

از طرف دیگر، اخلاق مدرن کاربرد صرف اصول اخلاقی برای فناوری آزاد از ارزش‌ها به حساب نمی‌آید؛ بلکه انسان را ملزم می‌کند تا - دوباره - در باب سرشت فناوری رایانه و ارزش‌های آن اندیشه کند و راه درست را برگزیند؛ همان‌گونه که در بسیاری از عرصه‌های حیات صنعتی، هنری، اقتصادی، رفاه اجتماعی و... تحولات بی‌شماری رخ داده که از حیث کمیت و کیفیت آن، چنان است که دوران جدید را نمی‌توان تداوم طبیعی و منطقی دوران گذشته دانست؛ بلکه باید آن را تافته جدابافته‌ای به شمار آورد که در ذات خود با دوران سنتی متفاوت است.

عرصه اخلاق و ارزش‌های اخلاقی نیز شاهد چنین تحولی بوده که مدرن بودن از خصوصیات مهم آن است. آن‌چه امروزه به عنوان ارزش‌های اخلاقی نیکو از آن یاد می‌شود با آن‌چه در گذشته مورد توجه بوده، متفاوت است که این تضاد با سنت و - بالطبع - تضاد با اخلاق سنتی که اخلاقی دینی است، یکی از شاخصه‌های اصلی دوران مدرنیته است.

در عصر مدرنیته^۴ تجدیدنظر در همه جنبه‌های زندگی انسان به عنوان یک اصل مهم و حیاتی مدنظر است که هر امر تازه‌ای حاصل این تجدیدنظر و بازاندیشی است؛

-
1. Socrates
 2. Plato
 3. Aristotle
 4. Modernity

همان‌گونه که گیدنز^۱ معتقد است، ویژگی مدرنیته این نیست که از هر چیز نویی به خاطر نو بودنش استقبال می‌شود؛ چرا که در نظام‌های سنتی نیز چنین واکنشی - کم و بیش - وجود دارد؛ بلکه ویژگی مدرنیته فرض بازاندیشی در همه چیز و انکار هر امر سنتی است و این بازاندیشی حتی خود را نیز شامل می‌شود.

بیان این نکته نیز لازم است که تجدیدنظر، رویکرد جدید انسان مدرن به مسئله معرفت است؛ چرا که معرفت در عصر مدرنیته هیچ‌گاه قطعی نیست و نسبییت و شکاکیت بر سرتاسر علوم حاکم است. این بازاندیشی شامل همه عرصه‌های زندگی بشری شده و هر آنچه رنگ و بوی سنتی دارد را کنار گذاشته و آنچه نو و تازه است پذیرفته می‌شود؛ بدین صورت، دین و اخلاق دینی به عنوان یک امر سنتی کنار رفته و دین‌های خودساخته و اخلاق به اصطلاح من‌درآوردی - سکولار^۲ - جانشین آن می‌شوند.

برخی از جامعه‌شناسان با تقسیم جوامع به دو دسته سنتی و مدرن، عقاید دینی را مختص ساخت‌های سنتی دانسته و معتقدند با انتقال جوامع سنتی به ساخت مدرن، تحولات بنیادی در باورهای دینی و ارزش‌های اخلاقی مردم ایجاد می‌شود؛ زیرا این باورها و ارزش‌ها نه تنها در جوامع مدرن کارکرد خود را از دست می‌دهند، بلکه گاهی به موانعی در راه رشد و ترقی فردی و اجتماعی بدل می‌گردند.

فرهنگ ایرانی و اسلامی

کشور ایران مهد فرهنگ کهن و دیرپایی است که هنگام ظهور اسلام، یازده قرن از پیشینه آن در علم، هنر و صنعت می‌گذشت و سرزمینی بالنده شد که با پذیرش اسلام، هم روح تازه‌ای در جان خویش گرفت و هم قوت و توان افزونی به گستره آئین نو بخشید.

-
1. Anthony Giddens
 2. Secular

فرهنگ ایران زمین در آن روزگار، دستخوش آسیب‌هایی جدی قرار داشت؛ به ویژه از ناحیه اشرافی‌گری و تبعیض‌های اعمال شده حاکمیت و اختلافات طبقاتی که حاصل آن بود تا جایی که کسی حق نداشت از طبقه‌ای وارد طبقه دیگر شود؛ حتی کیش و قانون آن روز اجازه نمی‌داد که یک بچه کفش دوز یا کارگر بتواند باسواد شود، تعلیم و تعلم تنها در انحصار اعیان‌زادگان و موبدزادگان بود.

کریستین سن^۱ - ایران‌شناس مشهور دانمارکی - در همین ارتباط می‌نویسد:

نفوذ موبدان فقط بر پایه قدرت روحانی ایشان و هم‌چنین داوری‌های عرفی و نیز تبرک بخشیدن ولادت‌ها و ازدواج‌ها و... و اقدام به تطهیر و قربانی، متکی نبود؛ بلکه دارا بودن املاک ارضی و منابع سرشاری که از طریق جرایم دینی و عَشْرِيه و صدقات و هدایا وصول می‌شد، مؤید نفوذ آنان بود؛ به علاوه می‌توان گفت که موبدان - تقریباً - دولتی در میان دولت ایجاد کرده بودند. (کریستین سن، ۱۳۷۸: ۱۳۸)

متون تاریخی، حتی از لباس‌های زربفت و کفش و کلاه و سلاح‌ها و افزار جنگی گرانقیمت فرماندهان سپاه ایران و اختلاف چشمگیر آن‌ها با سر و وضع ساده سربازان و فرماندهان لشکر مسلمانان سخن‌ها گفته است؛ ثروت و مکنتی که در سایه فشار بر اقشار ضعیف جامعه سامان یافته بود.

در چنین شرایطی، ایرانیان با فرهنگی روبرو شدند که ارزش‌های معنوی و الایی را ارائه داده و نگاه عمیق و مفهوم‌بخشی به هستی ترویج می‌کرد و در عین حال، مروج عدالت و یکرنگی بود و هر گونه تبعیض نژادی و طبقاتی را نفی می‌نمود.

به طور کلی، نفوذ و گسترش اسلام در ایران، دفعی و اجباری نبود؛ بلکه تدریجی و به مرور زمان بوده است. از منابع تاریخی چنین دریافت می‌شود که آیین

و معابد زرتشتیان تا مدت‌های مدید- پس از سلطه مسلمانان بر ایران- در نواحی مختلف وجود داشت؛ هر چند اقبال مردم به آن شدیداً کاهش یافته بود و در قرن چهارم هجری، این آیین رو به زوال نهاد. (ر. ک: مطهری، ۱۳۸۵: ۹۹-۹۳)

هم‌چنین، قدرت فرهنگ و تعالیم اسلامی چنان بود که هم برتری خود را از ورای رفتارهای خشونت‌آمیز و غیر دینس فاتحان، نشان داد و هم کیاست و فراست ایرانیان چنان بود که علی‌رغم رفتارهای دور از موازین اسلامی فاتحان، حقیقت پیام اسلام را دریافتند و غبار غلیظ جنگ‌هایی که چندان هم اسلامی نبود، مانع مشاهده حقایق والای اسلام از سوی آنان که مقهور و طرف مغلوب جنگ بودند، نشد؛ بلکه بالاتر از این، ایرانیان پس از آن‌که بی‌خبر از حوادث درونی جامعه اسلامی و اتفاقات پس از رحلت رسول خدا ﷺ و کنار زدن جانشین الهی حضرت بودند، دستگاه خلافت را پذیرفتند؛ اما در طول زمان و به مدد هوش و کیاست خود، پرده‌های جهل و تزویر را دریدند و به حقیقت اسلام نبوی ﷺ که همانا تشیع علوی است، دست یافتند که این سیر را می‌توان بزرگترین هنر و هوشمندی ایرانیان در مواجهه با اسلام و مسلمانان به حساب آورد:

گر چه ز جور خلفا سوختیم ز آل علی معرفت آموختی

(ملک‌الشعرا، بهار، منظومه‌ها، چهار خطابه، خطابه ۲)

به بیان دیگر، ایرانیان به تنگ آمده از اشرافیت درباریان و دین‌فروشی موبدان- در مواجهه اولیه با اسلام- فرهنگی را یافتند که تنها ملاک ارزش و برتری را پرهیزکاری می‌دانست^۱ و پیام‌آور آن- نبی مکرم اسلام ﷺ - می‌فرمود:

- «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ إِلَّا بِالتَّقْوَى»؛ (کراچی، ۱۴۳۰، ج: ۱، ۲۱) ای مردم! همانا پروردگار شما یکی است و پدر شما یک نفر است، پس فضیلتی ندارد عرب بر عجم و عجم بر عرب و سرخ بر سیاه و سیاه بر سرخ، مگر به سبب تقوی و پرهیزکاری.

- هر کس عملش او را به جایی نرساند، حسَبیش او را بدان جایگاه نخواهد رساند. (کلینی، ۱۳۶۳، ج: ۸، ۲۴۶)

ایرانیان، آیات الهی و فرمایشات نبوی ﷺ را می شنیدند و شگفت زده می شدند، ضمن آن که سادگی و مراتبی از اهداف معنوی را در علمکرد و سلوک مسلمانان می دیدند؛ لذا نه تنها در مقابل اسلام مقاومت نکردند، بلکه آن را با جان و دل پذیرا شدند؛ اما در مرحله بعد، با پاره ای ناسازگاری ها و ستم ها نیز مواجه گردیدند که مربوط به فرهنگ اعراب- و نه اسلام- بود که آن ها را پس زدند.

فرهنگ الهی، انسان را آمیزه ای از پیکر خاکی و روان آسمانی می داند که فرهنگ اسلامی تبلور تمام و کمال آن است و هدفش دستیابی به کمالی است که در تابش آفتاب وحی حاصل می شود و معیارهای برتری افراد را نیز پرهیزکاری و پایبندی به اصول ثابت اخلاقی می داند.

در یک معنای کلی، برای شناخت اصالت و میزان برخورداری یک فرهنگ از روح و حیات، نیاز به مطالعه و شناخت عناصر برجسته، جهت و حرکت، آهنگ رشد و انگیزه های حاکم بر آن فرهنگ است تا مشخص شود دارای شخصیت مستقلی است یا التفاطی بوده و دنباله روی فرهنگ های دیگر است.

فرهنگ اسلامی بر خلاف فرهنگ مادی که ساخته و پرداخته بشر است، به این ویژگی منحصر به فرد آراسته گشته و به حیات خود ادامه می‌دهد.

استاد مطهری - در همین ارتباط - معتقد است:

فرهنگ اسلامی مانند يك سلول زنده رشد کرد و فرهنگ‌هایی را از یونان و هند و ایران و... در خود جذب کرد و به صورت موجود جدید با چهره و سیمای مخصوص به خود ظهور کرد و به اعتراف محققان تاریخ فرهنگ و تمدن، تمدن اسلامی در ردیف بزرگترین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری است. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۹-۲۰)

در یک جمع‌بندی کلی، برخی از ارزش‌های دینی در فرهنگ اسلامی عبارت است از: پرستش خدا اساسی‌ترین ارزش دین، پرورش روح عدالت‌خواهی و مسئولیت فرد و پرورش روح اجتماعی.

وجه تمایز فرهنگ غربی و اسلامی

زیربنای فرهنگ غربی، اقتصاد و بهره‌جویی از لذت‌های مادی است؛ لذا انسان را تنها از این دیدگاه می‌نگرند و تمام هدف را در رفاه و آسایش و کامیابی و لذت‌جویی خلاصه می‌کنند، قدرت و بهره‌جویی حیوانی را کمال انسان می‌دانند و او را در این مسیر به پیش می‌رانند؛ به همین دلیل دنیای امروز، دنیای تبلیغات فریبنده و میدان نمایش و عرضه کالاها متنوع مصرفی شده است؛ زیرا در این فرهنگ، اخلاق، معنویت و ارزش‌های انسانی جایی ندارد.

در نقطه مقابل و در فرهنگ اسلامی که بنای آن بر اخلاق و ارزش‌های اسلامی و انسانی گذاشته شده، وضع به گونه‌ای دیگر است؛ اقتصاد و بهره‌جویی از مادیات وسیله است نه هدف؛ یعنی در این فرهنگ، اخلاق یک اصل بوده و رفاه و مادیات وسیله و فرع است نه هدف و انسان به اعتدال میان این دو رهنمون می‌شود؛ لذا در این فرهنگ، هم بعد مادی در حد ضرورت و نیاز مورد توجه است و هم بعد معنوی در حد اعلی مدنظر است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان اخلاق مدرن را با فرهنگ اسلامی عجین کرد. به عبارت دیگر، مراد از اخلاق مدرن، شکل غربی آن نیست؛ بلکه صورت مناسب‌سازی شده با درون‌مایه فرهنگ اسلامی و تعالیم دینی است که با پیشرفت‌های تکنولوژی و فناوری مجازی همخوانی دارد.

در عصر حاضر که قرن دانایی نام گرفته است؛ بی‌بهره بودن از فناوری‌های ارتباطی مدرن- هم‌چون اینترنت- و جلوگیری از ورود آن به کشور، ممکن و معقول نیست؛ زیرا سبب محروم ماندن از روند فراگیر دانسته‌ها و اخبار و عقب ماندن از مسیر توسعه می‌شود. با این حال، بهره‌گیری خارج از چارچوب از این فناوری نیز می‌تواند آسیب‌های اخلاقی و فرهنگی به کشور وارد سازد؛ لذا لازم است با جهت‌دهی اخلاقی به پدیده جهانی ارتباطات نوین، هم از جنبه‌های مثبت آن سود جست و هم خود و کشور را از آسیب‌های آن ایمن ساخت.

نقش رسانه‌ها در این مورد بر کسی پوشیده نیست؛ به طوری که یکی از مهم‌ترین کارکرد رسانه‌ها، کمک به فرایند فرهنگ‌پذیری است؛ فرهنگ‌پذیری عبارت است از فرایند انتقال ارزش‌ها، هنجارها، عقاید، باورها، معیارها و الگوهای رفتاری و احساسی موجود در فرهنگ جامعه به آحاد افراد آن که نهاد خانواده و سپس نهاد تعلیم و تربیت، اولین مراکز انتقال مفاهیم فرهنگی به کودکان هستند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن مسکویه رازی، احمد بن محمد (۱۳۸۱). *تهذیب الأخلاق وتطهیر الأعراق*.
۳. اعزازی، شهلا (۱۳۷۸). *خانواده و تلویزیون*. تهران: انتشارات مرنندیز.

اخلاق مدرن، فرهنگ اسلامی و ارتباطات در دنیای مجازی / ۷۳

۴. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۸). فلسفه دین. تدوین عبدالله نصری. چاپ ۲. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵. جلالی، علی اکبر (۱۳۸۲). آسیب‌شناسی فناوری اطلاعات در خانواده. تهران: پژوهشکده خانواده.
۶. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۷۹). کلام جدید. قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه.
۷. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌ها. تهران: انتشارات کتاب فردا.
۸. ساروخانی، باقر (۱۳۷۲). جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران: انتشارات اطلاعات.
۹. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). مکارم الأخلاق. قم: منشورات رضی.
۱۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۹۲). الحقائق فی محاسن الأخلاق. ترجمه حمیدرضا صادقی. تهران: انتشارات آیت اشراق.
۱۱. کراچکی، ابی الفتح محمد بن علی (۱۴۳۰). معدن الجواهر و ریاضه الخواطر. قم: مکتبه العلامة المجلسی.
۱۲. کریستین‌سن، آرتور (۱۳۷۸). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. تهران: انتشارات صدای معاصر.
۱۳. کریمی، یوسف (۱۳۷۹). روانشناسی اجتماعی. تهران: نشر ارسباران.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). آشنایی با علوم اسلامی. تهران: انتشارات صدرا.
۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: انتشارات صدرا.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). اخلاق در قرآن. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام.
۱۸. ملک الشعراى بهار، برنامه گنجور.